

۷۶۳۱ - ۷۶۳۲
 ۷۶۳۳ - ۷۶۳۴
 ۷۶۳۵ - ۷۶۳۶
 ۷۶۳۷ - ۷۶۳۸
 ۷۶۳۹ - ۷۶۴۰
 ۷۶۴۱ - ۷۶۴۲
 ۷۶۴۳ - ۷۶۴۴
 ۷۶۴۵ - ۷۶۴۶
 ۷۶۴۷ - ۷۶۴۸
 ۷۶۴۹ - ۷۶۵۰

سگ گشی

سگ گشی

(فیلمنامه)
 [فیلمنامه]

برام بیضا

انتشارات روشنگران و مطالعات زنان

۳۷۸-۸۶۴-۶۳۲۵-۱۳۵

پارمان جواد مقدم . شب . توجای

اتاق خواب. صدای آژیر خطر. تاریکی تمام. مثل عادت کردن نگاه به تاریکی، کم کم پنجره‌ی اتاق خواب جواد مقدم و پرده‌های سفید آن به چشم می‌آید. صدای انفجاری در جایی در نزدیکی. آقای جواد مقدم ناگهان هراسان و با نفس‌تنگی حاصل از خوابی آشفته از خواب می‌پرد. در نیمه‌تاریکی حتی، پیداست نفس‌زنان و خیس عرق است. صدای به در کوبیدن کسی.

تالار. چراغی روشن می‌شود و آقای جواد مقدم درحالی‌که هراسان و دستپاچه چیزی می‌پوشد به طرف در می‌آید. صدای در کوفتن؛ سمج - آشکارتر و پرشتاب‌تر. مقدم می‌ماند و می‌بیند که صدا از سوی در پشتی است. به سوی آن می‌رود. دودل و با احتیاط دست می‌برد که باز کند، ولی به ضربه‌هایی که می‌زنند تردید می‌کند و ناگهان به در پشت می‌کند و دمی چشمان خود را با ترسی تازه می‌بندد و دست به سوی قلب خود می‌برد.